

سیاست هسته‌ای و اقتدار ملی

دکتر غفار زارعی



استایار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، تولید و غنی‌سازی اورانیوم سبب گردید که انحصار توان هسته‌ای در جهان امروز که بیشتر در دست عده معدودی از کشورهای پیشرفته صنعتی است، شکسته گردد و ایران در زمره چند کشور مشخص، معین و محدود دارای توان هسته‌ای قرار بگیرد. اهمیت موضوع سیاست هسته‌ای در این است که به‌عنوان یک پارادایم و تعیین استراتژی جمهوری اسلامی ایران و بخش جدایی‌ناپذیر از بدنه تصمیم‌گیری کلان و ملی تلقی می‌گردد و از سوی دیگر، دستیابی به انرژی هسته‌ای سبب خودباوری و اقتدار ملی گردید و به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آید.

مقدمه

از ایران انجام می‌شود حتی یک مورد هم نبوده است که بگویند ما از مسیر صلح‌آمیز انحراف داشته‌ایم.

سیاست هسته‌ای

از اوایل دهه ۱۳۷۰ ش، رویکرد جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای فعال گردید و در این راه، اقدامات و تحرکاتی انجام گرفت. ایران در راستای دستیابی به انرژی هسته‌ای و راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر، به عقد قراردادهایی برای استفاده از انرژی مسالمت‌آمیز هسته‌ای با فدراسیون روسیه در دوم شهریور ۱۳۷۱ و با دولت چین در نوزدهم شهریور ۱۳۷۱، همکاری‌های گسترده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مشارکت فعال در کمیته خلع سلاح در مذاکرات ۱۹۹۳ م، مربوط به منع تسلیحات شیمیایی و امضای معاهده سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ م، فعالیت مستمر در سازمان منع تسلیحات شیمیایی، مشارکت فعال و سازنده در مذاکرات مربوط به معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای و امضای آن، اقدام نموده است (خوش‌اندام: ۵۶، ۱۳۸۶).

اما مسئله مهم در اینجا، انرژی هسته‌ای از یک سو و سیاست هسته‌ای از سوی دیگر است. هرچند که هر دو در ابتدا مشابه هستند و همپوشانی دارند اما تا حدودی متمایز هستند؛ زیرا ممکن است یک کشور، انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را، از نوع وابسته و زیر نظر قدرت‌های خارجی داشته باشد اما متکی بر ظرفیت و پتانسیل‌های داخلی و بومی نباشد. استدلال‌های ایران در راستای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را با توجه به استراتژی اقتدار ملی به‌عنوان یک اصل

افشاگری پیرامون موضوع انرژی هسته‌ای ایران ابتدا در ۱۴ اوت ۲۰۰۲ م، توسط نمایندگان سازمان منافقین در هتل ویلارد واشنگتن انجام شد. بعد از آن، شبکه خبری C.N.N از نیروگاه‌های نطنز و اراک، تصاویری را ارائه داد و ایران را به ساخت سلاح اتمی در این دو نیروگاه متهم نمود. بعد از انعکاس این اخبار و موضع‌گیری‌ها توسط رسانه‌های گروهی، محمد البرادعی مدیرکل آژانس در اوایل بهمن‌ماه ۱۳۸۱ ش، از ایران بازدید می‌نماید و اعلام می‌کند آنچه که در ایران دیده و مشاهده نموده است، موضوع غیرمنتظره‌ای نبوده است و برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است اما برخی از کشورها اظهارات تند و بهانه-جویانه-ای از خود بروز دادند تا اینکه البرادعی در ۲۶ خردادماه ۱۳۸۲ گزارش جامعی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارائه داد. در این میان، ایالات متحده آمریکا، تبلیغات تخریبی را علیه ایران به کار گرفت و اعلام نمود ایران باید به معاهده N.P.T پایبند باشد و بدون پیش شرط، پروتکل الحاقی را امضا نماید (قریب‌آبادی: ۱۳۸۳: ۸۲).

از این تاریخ به بعد، پرونده هسته‌ای ایران وارد کش و قوس‌های سیاسی گردید و بیشترین حساسیت‌ها از سوی مجامع بین‌المللی متوجه آن گردید البته این جوسازی‌ها بیشتر مبتنی بر رویکرد مغرضانه و غیرواقعی بود؛ زیرا بیشتر راستی‌آزمایی متعلق به موضوع هسته-ای ایران بوده است. محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی هسته‌ای در این باره می‌گوید؛ جمهوری اسلامی ۳٪ ظرفیت هسته‌ای دنیا را در اختیار دارد اما ۲۵٪ بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

حاکمیتی می‌توان در مواردی مانند توسعه علمی - صنعتی، خودتکایی و عدم اعتماد به بیگانگان مورد ارزیابی قرارداد.

توسعه علمی - صنعتی

استدلال ایران برای ازسرگیری فعالیت‌های هسته‌ای، برآمده از نگاه توسعه و پیشرفت ملی و نیاز و ضرورت بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی، به انرژی هسته‌ای در آینده است. در صورتی که برنامه ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و تولید ۷۰۰۰ مگاوات ظرفیت هسته‌ای در کشور محقق گردد، به اندازه ۱۹۰ میلیون بشکه نفت خام در مصارف نیروگاهی کشور صرفه جویی به عمل خواهد آمد که ارزش اقتصادی آن در سال، بیش از پنج میلیارد دلار برآورد می‌گردد. همچنین به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی نیز از تولید ۱۵۷ هزار تن دی‌اکسیدکربن، ۱۵۰ تن ذرات معلق در هوا، ۱۳۰ تن گوگرد و ۵۰ تن اکسید نیتروژن، جلوگیری به عمل خواهد آمد (قریب‌آبادی، ۹۴، ۱۳۸۳).

علاوه بر حجم بالای سود اقتصادی و منفعت مادی آن که می‌تواند سایر بخش‌های صنعتی، پزشکی و اقتصادی را غنی نماید و زمینه توسعه صنعتی و اقتصادی را در جامعه فراهم نماید، ارزش علمی آن بسیار مهم و حائز اهمیت است. دانش بومی و داخلی ساخت انرژی هسته‌ای و چگونگی فرایند غنی‌سازی اورانیوم می‌تواند سرآغاز یک جهش و تحول علمی در راستای حرکت از مرحله وابستگی علمی به استقلال علمی را فراهم نماید.

کشورهای پیشرفته به دلیل برخورداری از فنون و علوم جدید، زمینه عقب ماندگی و توسعه نیافتگی سایر کشورها را تشدید می‌نمایند و از این راه، در راستای وابستگی بیشتر آنان می‌کوشند. علاوه بر این استدلال و برهان، ایران با توجه به اساسنامه آژانس و با تأکید بر ماده چهارم NPT استدلال می‌کند که حق دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای را دارد.

بند اول ماده چهارم اساسنامه، به روشنی اشاره می‌نماید که هیچ یک از مقررات معاهده حاضر، به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که به حقوق غیر قابل تفویض هر یک از دولت‌های عضو معاهده حاضر برای توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای با اهداف صلح جویانه، بدون تبعیض و بر اساس مقررات مواد ۱ و ۲ پیمان حاضر، لطمه وارد سازد. همچنین در بند دوم ماده ۴ آمده است که همه دولت‌های عضو معاهده متعهد می‌شوند، تبادل هر چه وسیع‌تر تجهیزات و اطلاعات علمی و تکنولوژیکی را به منظور مصارف صلح جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل نمایند و حق مشارکت در این مبادلات را دارند. به علاوه هر کدام از طرف‌های معاهده در صورت توانایی، باید انفرادی یا همراه سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی، در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح جویانه به ویژه در سرزمین‌های دولت‌های عضو پیمان که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند، با توجه به نیازهای مناطق در حال رشد جهان، تشریک مساعی نمایند (قریب‌آبادی، ۱۳۸۳، ۹۷).

صراحت به کاررفته در بند اول و دوم ماده چهارم، هر گونه ابهام را در پرونده انرژی هسته‌ای برطرف

دلائل ایران در راستای نوآوری علمی و توسعه علوم هسته‌ای، کاملاً موجه و منطقی است. امروزه بسیاری از



توسعه صنعتی و گسترش واحدهای تولیدی، افزایش مصرف خانوارها و نیاز اقتصادی به درآمدهای نفت و گاز سبب گردیده است که مصرف این انرژی در داخل و فروش آن در خارج، روزه روز بیشتر گردد. طبیعی است که ایران با جایگزین نمودن انرژی هسته‌ای، از افزایش بی‌رویه نفت و گاز جلوگیری نماید و این میراث آیندگان را به عنوان یک پشتوانه ملی ذخیره نماید. برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا، ایران را به عدم نیاز به انرژی هسته‌ای متهم می‌نمایند و از سوی دیگر تأکید می‌نمایند که در صورت نیاز به انرژی هسته‌ای، آنها می‌توانند سوخت هسته‌ای را به صورت آماده در اختیار ایران قرار دهند و در عوض، ایران از غنی‌سازی اورانیوم دست بردارد.

می‌سازد. ایران بر این عقیده است که با نظارت بازرسان آژانس و ارائه گزارش‌ها به آن سازمان، هرگونه شک و دودلی را در زمینه مقاصد و اهداف هسته‌ای از بین برده است. از دیگر اهداف ایران در تعقیب نمودن دستیابی به انرژی هسته‌ای، جایگزین نمودن انرژی هسته‌ای به جای نفت و گاز در آینده اقتصاد ملی است. آمارها و بررسی‌ها نشان‌دهنده آن است که ذخایر زیرزمینی در آینده نه‌چندان دور به پایان می‌رسد. بر اساس پژوهشی از سوی آکادمی ملی علوم در آمریکا، مسئله نیاز ایران به انرژی هسته‌ای، ممکن است واقعیت داشته باشد. این گزارش یادآور می‌شود که میزان سرمایه‌گذاری در تولید بیشتر نفت، ناکافی است. به اضافه این که جمعیت کشور نیز در حال افزایش است (اسدی: ۱۳۸۶، ۸).

صنعت هسته‌ای یکی از مؤلفه‌های اساسی در تولید قدرت علمی، رشد کمیته‌ی و کیفیتی متخصصان هسته‌ای و رشد صنایع مرتبط با ساخت ادوات و تأسیسات هسته‌ای است. چنانچه مقام معظم رهبری در دیدار دانشمندان، متخصصان و مسئولان صنعت هسته‌ای (۱۴۰۲/۳/۲۱) بر این موضوع تأکید بالایی دارند که هر کس ایران را دوست دارد، هر کس جمهوری اسلامی را دوست دارد، هر کس ملت را دوست دارد و قوت این کشور را می‌طلبد، بایستی به این بخش از تلاش و فعالیت علمی، تحقیقاتی، صنعتی و کاری که اینجا انجام می‌گیرد، اهمیت بدهد و برایش اعتبار قائل بشود.

علت تمرکز دشمنان روی انرژی هسته‌ای هم همین است؛ بنابراین رشد و توسعه علمی علاوه بر خوداتکایی، منجر به توان‌افزایی سطوح اقتدار ملی می‌گردد و در درازمدت به عنوان یک مؤلفه اقتدارآمیز در حوزه روابط بین‌الملل مؤثر است.

خوداتکایی هسته‌ای

سیاست‌های غرب در ادوار مختلف تاریخ روابط خارجی در قبال ایران، سبب نوعی بی‌اعتمادی ایران به حرف‌ها، نیت‌ها و اعمال آنان گردیده است. در نهایت، در حوزه روابط کشورها، تنش‌ها و تغییر جهت‌ها و فراز و نشیب‌های زیادی شکل می‌گیرد که به نوعی یک بازیگر بین‌المللی را در وضعیت قرار داده شده می‌گذارد. ایران به هیچ‌رو نمی‌تواند به فرستادن سوخت از کشورهای دارنده و تولیدکننده سوخت هسته‌ای اعتماد نماید، وقتی یک کشور این توان و قابلیت را برای ساخت انرژی مورد نیاز

خود دارد، کاملاً غیرمنطقی است که در یک چرخه وابستگی اقتصادی باقی بماند.

مسئله دیگر، اقدامات، ضربه‌ها، خسارت‌ها، نیات و اعمال آشکار و پنهان کشورهای غربی، از جمله آمریکا بر علیه منافع ملی ایران، در بعد از انقلاب اسلامی بوده است. سیاست‌هایی که جنبه قلدرمآبانه و زورگویی و در صدد ضربه زدن به استقلال و اقتدار ملی ایرانیان بوده است. نقشه‌هایی مانند، کودتای نوژه، مسئله طبس، جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران، حمایت از صدام و تحریک آن بر علیه ایران، حضور نظامی در منطقه خلیج فارس به بهانه تأمین امنیت خلیج فارس، حمایت از اسرائیل در کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین، حمایت از گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌های اقتصادی بر علیه ایران و بلوکه نمودن پول و دارایی‌های ایران، نمونه‌هایی از اقدامات آمریکا و هم‌پیمانانش بر علیه منافع ملی و استقلال ایران است.

چطور جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این همه اقدامات مخالف بر علیه خود را از یاد ببرد و به اعمال و نیات آنان (آمریکا) اعتماد نماید. موضوع دیگر در سیاست هسته‌ای، خوداتکایی علمی و توسعه علوم هسته‌ای متناسب با زیرساخت‌های اقتصادی در کشور است. موضوع دیگر در سیاست هسته‌ای ایران، مسئله تصمیم‌گیری و استقلال سیاسی در پیشبرد اهداف هسته‌ای است؛ برای مثال بزرگ‌ترین متحد سیاسی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس یعنی عربستان، چهار شرط را برای انجام عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی ارائه کرده است که شامل: پیمان دفاعی

سایر بخش‌های مرتبط در حوزه فناوری‌های مرتبط و متناسب است که تبدیل به قدرت علمی و متعاقب آن، رشد و افزایش اقتدار ملی ایرانیان شده است. تمام موانع و اشکال تراشی، دال بر این موضوع است که رشد و حرکت سیاست هسته‌ای در ایران، توقف‌ناپذیر و برآمده از محتوای جوهری گفتمان انقلابی با رویکرد جهادی برای آینده بهتر و مطلوب است.

منابع

اسدی، بیژن (۱۳۸۶) تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱.
خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۶) واکنش ایران به رژیم بین‌المللی و منع اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، پژوهش‌نامه خلع سلاح، سال اول، شماره دوم.
قریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۳) آشنایی با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پروتکل الحاقی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

با آمریکا، داشتن نیروگاه‌های هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، بهبود روابط دوجانبه و توقف انتقادات از سیاست‌های ریاض در پی قتل جمال خاشقجی است اما از این شروط چهارگانه، اسرائیل و آمریکا با مسئله هسته‌ای مخالفت می‌نمایند. علت هم آن است که سیاست هسته‌ای، یک راهبرد و استراتژی درازمدت و دارای پیامدهای اقتصادی، سیاسی و علمی است و می‌تواند به عنوان عنصر تقویت‌کننده اقتدار ملی یک بازیگر بین‌المللی به حساب آید.

علاوه بر این، خوداتکایی هسته‌ای، بازیگران دولتی را از یک بازیگر وابسته و غیر کارآمد، به یک بازیگر مستقل و دارای توانمندی مبدل می‌نماید؛ توانمندی و استقلال، از اجزای جدایی‌ناپذیر اقتدار ملی یک کشور هستند. کشورهای وابسته به دلیل ضعف در تصمیم‌گیری سیاسی و اجرای آن، دنباله‌روی قدرت‌های بالادستی هستند و از تحرک و پویایی در حوزه افزایش قدرت ملی برخوردار نیستند؛ زیرا رشد قدرت ملی آنان وابسته به قدرت‌های بزرگ است. محتوای انقلاب اسلامی با چنین رویکردی در همه جوانب مخالف است و آن را بدون اصالت می‌داند.

نتیجه‌گیری

کشورهای اروپایی به همراه ایالات متحده آمریکا، به این مهم اذعان دارند که ایران توانایی و دانش غنی‌سازی اورانیوم را بومی نموده است. برنامه هسته‌ای ایران در چارچوب اساسنامه آژانس و بر اساس قواعد و مقررات بین‌المللی است و ایران در این زمینه، با نیت صلح‌آمیز در تعقیب این فناوری است اما مسئله مهم در اینجا، دانش بومی و پیوند انرژی هسته‌ای ایران با